



فرهاد پناهی

حرفه، دانشگاه و وظایف ما

حرفه‌ی حسابرسی با دو چالش آموزشی مواجه بوده است. نخست دسترسی به نیروی کارشناسی آموزش‌دیده که قادر به ارائه‌ی سطح مناسبی از خدمات حرفه‌ای باشد و دوم حفظ و ارتقای سطح این نیروها به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای فزاینده‌ی صاحب‌کاران و مقررات‌گذاران در بستر اقتصادی در حال توسعه.

در هر دو زمینه، کاستی‌ها مشهود است. از سویی به‌سبب فاصله‌ی آموزش دانشگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار نیاز به آموزش جدید این نیروها به‌منظور ایجاد توانایی‌های پایه‌ی کاری کاملاً محسوس است و برطرف ساختن این نیاز بخش مهمی از توان مؤسسات حرفه‌ای را جذب می‌کند. از سوی دیگر فضای تحول‌یابنده‌ی اقتصادی و نیازهای روزافزون صاحب‌کاران و مراجع نظارتی مؤسسات را با تکالیف جدیدی مواجه می‌سازد که انجام آنها نیازمند کسب آموزش‌های جدید است. می‌توان به ضرورت اشراق بر نرم‌افزارهای مالی و حسابداری و یا آگاهی از الزامات مراجع نظارتی در بازار پول و سرمایه در مواردی مانند راهبری شرکتی، مبارزه با پول‌شویی و انواع مقررات متعدد دیگری اشاره کرد که به‌عنوان مثال در بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه‌ی مرکزی برای نظارت مؤثر بر مؤسسات پولی و مالی، مؤسسات بیمه و شرکت‌های سهامی عام وضع می‌شود.

پس مهارت‌زایی و مهارت‌افزایی پویای مداومی است که مؤسسات حسابرسی به‌منظور حفظ حیات در اقتصاد دایم در حال تغییر کنونی به آن نیاز دارند. با توجه به همین الزام بود که در سال‌های اخیر جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات مبادرت کرد. تأسیس یک مرکز آموزش حرفه‌ای به‌واقع تلاش برای پرکردن فاصله‌ی میان آموزش دانشگاهی و نیازهای حرفه‌ای و افزون بر آن ایجاد نهادی برای پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی جدید و مهارت‌افزایی حساب‌برسان بوده است.

اما روشن است که این نهاد نیازمند ارتباطی دوجانبه و پویا از سویی با نهاد دانشگاه و از سوی دیگر با نهاد حرفه است. به عبارت دیگر این کالبد جدید برای کارآمدی باید از دو بال برای پرواز برخوردار باشد. بال نخست توانمندی‌های آکادمیک و بال دوم توانمندی‌های حرفه‌ای است. در عین حال این دو بال باید در پیوندی اندام‌وار با یکدیگر قرار داشته باشند که قادر به حرکت و پویایی موزون و منظم و هدفمند باشند.

از همین رو، تلاش کرده‌ایم از همان بدو تأسیس مرکز آموزش به صورت توأمان از اساتید و کارشناسان دانشگاهی و اساتید و کارشناسان حرفه‌ای بهره‌مند باشیم.

در عین حال، این مسأله موردتوجه و تأکید قرار داشته که این مرکز نه جایگزین مراکز آموزش حرفه‌ای موجود بلکه نهادی ویژه برای پاسخ‌گویی به نیازهای خاص اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در انجام وظایف محوله‌ی قانونی‌شان است. به عبارت دیگر، هدف ایجاد یک بوروکراسی در کنار و موازی بوروکراسی‌های موجود نبوده و نباید باشد بلکه ایجاد نهادی کارآ برای پاسخ‌گویی به نیازهای اخصّ مؤسسات حسابرسی است.

همچنین علاوه بر آموزش صرف و برای کارآمدسازی آموزش توجه به امر پژوهش نیز موردتوجه مرکز قرار داشته است. پرسش‌های بسیاری در برابر فعالان حرفه‌ی حسابرسی قرار دارد. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها مستلزم صورت‌بندی درست مسأله، آگاهی از پیشینه‌ی موضوع، تدوین مدلی مفهومی برای آن، جمع‌آوری داده‌های مرتبط، اتخاذ روش‌شناسی مناسب برای پاسخ به مسأله و سایر گام‌ها و مراحل است که برای انجام یک پژوهش مؤثر باید طی کرد. از همین رو، مرکز آموزش در کنار مسأله‌ی آموزش به امر پژوهش هم توجه داشته و تلاش کرده بتواند پاسخ‌گوی نیازهای پژوهشی حرفه هم باشد.

با این همه، این نهاد نوپا برای این که قادر به انجام وظایف خود باشد به‌طور توأمان از تخصص‌های دانشگاهی و حرفه‌ای بهره‌مند باشد و همین مهم باعث شده که تلاش کنیم این مرکز پیونددهنده‌ی دانشگاه و حرفه‌ی حسابرسی و اعتباردهی باشد. تحقق چنین هدفی بدون حضور و همکاری مؤثر کارشناسان حرفه‌ای و اساتید دانشگاهی در راهبری آن ناممکن است. از این‌روست که مرکز آموزش از همان بدو تأسیس دست‌یاری به سوی تمامی اهل حرفه و اهل دانشگاه گشوده است و از همه‌ی آنان دعوت می‌شود که مشارکت فعالی در مرکز داشته باشند.